



۲۰۱۸/۱۲/۱۸

دوکتور م، عثمان تره کی

وقتی حکومت به قاتل مردم خود تبدیل میشود



جنگ استخوان سوز جاری کشور در فضای بی تفاوتی صد ها سازمان ملی، بین المللی، حکومتی و غیر حکومتی مدعی دفاع حقوق بشر هر روز از مردم ما قربانی میگردد. حجم جنایات جنگی این نبرد نزدیک است ریکارد جنایات تهاجم شوروی به افغانستان و یا جنایات اسرائیل در حق مردم فلسطین را بشکند. قربانیان تازه جنگ به دنبال نابودی در بست یک قریه در ولسوالی شیگل ولایت کنر اطفال، زنان و مردم ملکی است.

جنگ جاری در افغانستان دو جناح داخلی و خارجی دارد.

نویسنده درین یادداشت مختصر مکث کوتائی به عاملین افغانی این جنگ شبه ژنوساید که کتله بزرگ پشتون های دو طرف خط دیورند را نشانه گرفته است می اندازد. توجه به جنایات جنگی قوای اشغالگر در افغانستان در محتوای تغییر در نظام تقسیم قدرت در سطح بین المللی باید مطرح شود. عجاناً دست هیچ مرجع بازخواستی به یخن کاکا سام که با غرور ارزش ها را در عرصه حقوق و اخلاق سیاسی به لگد زده راهی است، نمی رسد.

نویسنده از سال ۲۰۰۱ به این سو از طریق نوشته ها و مرکه ها به کرات به این مطلب که قتل عام پشتون ها در رأس اجندای ستراتیژیست های غربی قرار دارد، سیگنال های هوشدار دهنده و در عین حال بی نتیجه به آدرس وجدان های خفته، بیدار و نیمه بیدار فرستاده است.

ائتلاف نظامی بین المللی به رهبری امریکا به قصد کنترل بر اوضاع و نهایتاً دستیابی به نتیجه ملموس از کشتار کتلوی، چندین شیوه را مورد استفاده قرار داده است. از جمله:

- زمینه سازی اختلافات قومی
- انحلال کدرهای با تجربه اردوی ملی و اكمال خلأ ناشی از آن توسط باند های اجبر وابسته به تنظیم ها
- حفظ یک اردوی ضعیف، تحت کنترل و فاقد سلاح ثقیله تهاجمی
- ایجاد ملیشییای محلی، پولیس محلی و انتقال داعش از سوریه و عراق به افغانستان

- به فرسایندگی کشیدن جنگ تحت کنترل با طالبان
 - ایجاد زمینه های نزاع قومی در بطن نظام حکومتی
 - مداخله در عزل و نصب موره های حساس در نظام به منظور اطمینان از وفاداری آن به حفظ منافع قوای مهاجم.
- قوای ائتلاف نظامی بین المللی از انبوه تکنیک های به کار گرفته شده در جنگ افغانستان، بیشتر روی زمینه توسعه منازعات قومی حساب کرده است. چه تهداب کشیدگی های قومی از زمان تهاجم شوروی به افغانستان استوار باقی مانده بود که می باید روی آن کار بیشتر صورت می گرفت.
- کانفرانس بن روی همین تهداب، نظام مبتنی بر سهمیه قومی را شکل داد.
- تقسیمات کرسی های حکومتی بر مبنای صلاحیت مسلکی در حاشیه لغزید.
- بعد از کانفرانس بن جدال قومی از سطح مطبوعات، مدیا، فیسبوک، کوچه و بازار در عمق تشکیلات حکومتی راه یافت. جنبه رسمی، تشکیلاتی و سازمانی اختیار کرد. رخنه عصبیت های قومی در اورگان های امنیتی از جمله اردو، وزارت دفاع را به دلیل دسترسی به ساز و برگ نظامی به افزار خطرناک تصفیه قومی بدل کرد. نفوذ گرایش های قومی سلسله مراتب اردو را زیر سؤال قرار داد.
- قوای مسلح امروز افغانستان محصول چهل سال جنگ است که قوت های مغرض خارجی در بطن آن نطفه کثیف عصبیت قومی را جا داده اند.
- جنایت جنگی شیگل را که سلسله جنایات جنگی اردوی افغانستان در طی هفده سال علیه مردم است، نمی توان بیرون از پروسه تصفیه قومی که قوای ائتلاف در رأس آن قرار دارد ارزیابی کرد.
- بعد ازین همه انزجار و تأسف از جنایت مرتکب شده در شیگل می رویم به طرح دو سؤال :
- آیا یک اردوی اجبر که تحت فرمان قوای اشغالگر قرار دارد و جنایات جنگی را به کربدت وطن پرستی خود حساب میکند، میتواند در افغانستان آینده داشته باشد ؟
 - وقتی ما شاهد بیچاره و بیوسیلۀ کشتار هموطنان بیگناه خود توسط اردوی اجبر استیم، نقش قوماندان عمومی قوای مسلح در ارتکاب جنایات جنگی بالوسیله اردوی تحت فرمان چه می شود؟ ظاهراً ما میدانیم که قوای مسلح افغانستان از مرجع غیر افغانی سوق و اداره می شود و قوماندان عالی قوای مسلح لقب تشریفاتی است که برای ارضای خاطر یک مقام اداری فاقد اتوریته مورد استفاده قرار گرفته است. اما قانون باری که نافذ شد، به ظواهر و تشریفات سر و کار ندارد. جبراً و قهراً باید تطبیق شود.
- ولسمشر به تکرار گفته است که « من قوماندان قوای مسلح افغانستان استم ». فرض کنیم ولسمشر در بیان این جمله به عادت همیشگی شوخی کرده است. چه همه میدانیم که ولسمشر صلاحیت صدور امر و نهی را بالای اردو ندارد. اما باریکه قانون صلاحیت قومانده بالای اردو را بوی سپرده است از جنایات ارتکاب شده توسط قوای مسلح از وی بازخواست میکند. من میترسم ازینکه در آینده کدام چپه شاخ که به شیوه شوخی ولسمشر آشنا نباشد، نامبرده را به استناد عبارت «من قوماندان قوای مسلح افغانستان استم» به گناه ناکرده (جنایات جنگی) مورد بازخواست قرار بدهد.

وی را در برابر این سؤال که در صورتیکه توان صدور امر و نهی و صلاحیت جلوگیری از ارتکاب جنایت بالوسیله قوای مسلح را نداشتی چرا استعفاً نکردی؟ قرار بدهد.

به همه حال! حکومت افغانستان و به صورت اخص اردوی اجیر به قاتل مردم بیگناه تبدیل شده است. جنایت شیگل نه اولین است و نه هم آخرین خواهد بود. با تأسف که با دوام عمر حکومت جنایات مشابه استمرار خواهد یافت.

«پایان»

